

تعالیم و گستره دعوت حضرت شعیب (ع) در قرآن با نگاهی به آموزه‌های تورات

علی محمد عمورسولی آران‌ی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی تعالیم و گستره دعوت حضرت شعیب (ع) بر اساس آیات قرآن کریم و مقایسه آن با آموزه‌های تورات می‌پردازد. هدف از این پژوهش، تبیین نقاط اشتراک و افتراق در مضامین اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی مندرج در دعوت حضرت شعیب (ع) از منظر قرآن و تورات است.

روش تحقیق، تحلیل محتوای آیات و متون مرتبط و بررسی تطبیقی آنهاست. یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر دو کتاب آسمانی، بر توحید، عدالت، پرهیز از کم‌فروشی و فساد اقتصادی تأکید شده است، اما تفاوت‌هایی نیز در جزئیات و نحوه بیان این تعالیم وجود دارد. نگاه قرآن و تورات در دو محور دعوت حضرت شعیب به توحید و عدالت اقتصادی یکسان نبوده و در قرآن تفصیل و جزئیات بیشتری ذکر شده است. این موضوع می‌تواند ناشی از تفاوت در شرایط تاریخی، فرهنگی و ویژگی‌های خاص هر یک از این دو کتاب الهی باشد. این مطالعه می‌تواند به درک بهتر جایگاه حضرت شعیب (ع) در سنت ابراهیمی و شناخت دقیق‌تر آموزه‌های مشترک و متمایز ادیان توحیدی کمک کند. نگارنده در این پژوهش، بر اساس روش کتابخانه‌ای به تبیین و تحلیل محتوایی موضوع یاد شده به صورت جامع پرداخته است.

واژگان کلیدی

قرآن، تورات، شعیب، رعوثیل، یترون، مدین، اصحاب الایکه.

۱. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم؛ محقق و پژوهشگر حوزه دین‌پژوهی.

طرح مسأله

قرآن کتاب تاریخ نیست و غرضش از بیان قصه‌های تاریخی بیان سنت‌های الهی و بیان نمونه‌های عملی از مواجهه انسان‌ها با هدایت و تربیت الهی است. به بیان روشن‌تر، قرآن درس‌های تاریخی گزارش کرده است، نه قصه‌های تاریخی. همین نکته، نقطه تمایز قرآن و متون مسیحی و یهودی است که آن دو کتاب به جزئیات روایت داستان‌ها نیز پرداخته است.

موضوع این تحقیق، تعالیم و گستره دعوت یکی از پیامبران و هادیان الهی به نام حضرت شعیب است که نام او، یازده بار در قرآن بیان شده است. آن حضرت، پدر همسر حضرت موسی است. معادل نام حضرت شعیب در تورات، «یترون» یا «رعوئیل» است. بحث از حضرت شعیب، بحث از همه جوانب و ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت، همچون علم، تزکیه و مدیریت فرهنگی و اصلاحات اقتصادی و امور دیگر وی است. ایشان همچون انبیای دیگر، در زمره افرادی بود که خداوند از میان افراد صالح و کامل وی را برگزید که در میان مردم اسوه باشد و مردم را با اعمال و رفتار خود، به سوی سعادت و کمال با تشکیل جامعه الهی تشویق نماید. در داستان حضرت شعیب و برخورد با حضرت موسی و آنچه در قرآن ذکر شده، نمونه‌هایی از اوج بندگی و انسان‌سازی و معرفت را ملاحظه می‌کنیم.

در زمینه زندگانی حضرت شعیب (ع)، آثار متعددی نگاشته شده است که برخی از آن‌ها به عنوان پیشینه عام و برخی به عنوان پیشینه خاص محسوب می‌شوند. قدیمی‌ترین منبع در این زمینه، تورات است که قرن‌ها قبل از میلاد مسیح به نگارش درآمده است. از جمله آثار مرتبط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله «راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی» اثر سید احسان خاندوزی و سید سعید حسین زاده، که به بررسی سیره حضرت شعیب (ع) در مقابله با فساد اقتصادی و کم‌فروشی می‌پردازد.

کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» اثر سید قطب، که به معرفی جنبه‌های اعجاز ادبی

قرآن کریم می‌پردازد و در بخشی از آن، به قصه حضرت شعیب (ع) اشاره می‌کند. کتاب «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن» اثر حمید محمد قاسمی، که به بررسی تابلوهای هنری و شگفت‌آور قرآن کریم می‌پردازد و در بخشی از آن، به قصص قرآن از جمله قصه قوم حضرت شعیب (ع) اشاره می‌کند.

کتاب «پژوهش در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن» اثر محمود بستانی، که به بررسی هنری داستان‌های قرآنی، به ویژه داستان حضرت شعیب (ع)، می‌پردازد. عبرت‌آموزی از داستان حضرت شعیب، درسی برای همه اقوام و ملل است. بی‌گمان مهم‌ترین نهضت فرهنگی و اعتقادی از ابتدای زندگی بشر در روی کره زمین تاکنون، از آن پیامبران و اوصیاء آنان بوده است و چون در قضیه حضرت شعیب، مسائل مختلف اقتصادی و حقوقی و موارد مختلف هدایتی وجود دارد، اهمیت بحث را دوچندان می‌کند. در این مقاله، روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل محتوایی بر اساس داده‌های تحقیق بوده که با بررسی داده‌های مطالعاتی به تحلیل زمینه‌ای مباحث مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته می‌شود.

با توجه به اهمیت نگاه اصالت محور به پیام‌های قرآنی که برخی در قالب بیان داستان‌های دینی می‌باشد و وجود شبهه از سوی دگراندیشان و مستشرقان، مبنی بر اقتباس پیام‌ها و داستان‌های قرآن از کتب آسمانی سابق و نبود تحقیق و منبع جامعی در جهت دفع و رفع این ابهامات، مقاله حاضر، نوآوری توصیفی و تبیینی دارد.

مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث اصلی تعالیم و گستره دعوت حضرت شعیب (ع) در قرآن و تورات، ضروری است تا مفهوم برخی از اصطلاحات مرتبط با این تحقیق ذکر گردد:

قرآن

قرآن، اسامی و صفات متعددی را برای خود به کار برده که مشهورترین آن‌ها عبارت است از قرآن، فرقان، کتاب، ذکر. (انعام: ۱۹؛ فرقان: ۱؛ بقره: ۲ و حجر: ۹). فرقان و ذکر بودن قرآن به این معناست که اولاً قرآن روایتی وحیانی از زندگی و سیره

انبیاء گذشته ارائه می دهد و ثنیا ما را با تعالیم اصیل و غیر تحریف شده این انبیا آشنا می سازد. پیاپی فرستادن انبیا و آموزه های مشترک ایشان در دعوت مردم گویای مسیر تمدنی ترسیم شده در الگوی الهی ایشان است.

قرآن مجید با بیان بهترین داستان‌ها، توصیه‌های بسیاری به فضائل اخلاقی و نهی از رذایل اخلاقی کرده است که اساس اخلاق و حکمت علمی را پایه گذاری می کند و خود یک رساله اخلاقی متعالی است. بدون تردید وقتی ما می توانیم از قرآن که بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین کتاب انسان‌سازی است، بهره‌مند شویم که آن را بشناسیم و بهترین راه شناخت آن این است که موضوعات آن را جدا جدا مورد بررسی قرار دهیم. هدف اصلی قرآن، هدایت بشر به سوی تکامل است؛ هدایتی که در پرتو آن، رحمت همه‌جانبه مادی و معنوی برای انسان‌های باایمان به دست می آید.

از مهم‌ترین ویژگی‌های قصه‌های قرآن «صادق بودن» آن‌ها و «مطابقتشان با واقعیت» است؛ برخلاف بسیاری از قصه‌های ادبی که عنصر خیال در آن‌ها تأثیر بسزایی دارد و هرچه این عنصر نفوذ بیش تری در ساختار داشته باشد، تأثیر آن در شنونده افزایش می‌یابد. قصه‌های قرآن نه تنها با واقعیت مطابقت دارند، بلکه مهم‌ترین و حساس‌ترین وقایع تاریخی انسان هستند.

از دیگر ویژگی‌های داستان‌های قرآن جنبه «اعجاز داستانی» قرآن کریم است. قرآن کریم تنها از آن‌جهت معجزه نیست که شنیدنی‌ترین و نیکوترین داستان‌ها را در اوج فصاحت و حسن معانی و الفاظی شیوا و عباراتی هم ساز و مقاطع و فواصلی هم‌شکل بیان کرده است؛ بلکه از جهت ذکر رویدادهای گذشته و آینده و بیان معارف و منافع مؤثر در سعادت بندگان نیز با بهترین شیوه ممکن و نیکوترین نظم و ترتیب، معجزه است.

تورات

واژه تورات به معنای «تعلیم»، «قانون» و «شریعت» است (موسوی بجنوردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی: ۱/۶) و این اصطلاح به کتاب آسمانی حضرت موسی، اطلاق می‌شود. (مائده: ۴۴) توراتی که قرآن از آن سخن می‌گوید غیر از توراتی است که اکنون در دسترس قرار دارد. اسفار پنج‌گانه تورات و بقیه عهد عتیق به لحاظ ساختار و محتوا

شبهاتی به قرآن ندارد زیرا این کتاب تاریخ بنی اسرائیل، زندگینامه و سخنان حضرت موسی را بیان می‌کند و مشتمل بر مطالب بسیاری است که با قرآن ناسازگار است.

تورات کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است. این اصطلاح، ۱۸ بار در آیات قرآن ذکر شده و کتاب حضرت موسی معرفی شده است. همچنین قرآن، حضرت عیسی و حضرت محمد را تأیید کننده تورات معرفی نموده است.

این کتاب شامل پنج سفر اول کتاب مقدس است. یهودیان معتقدند این کتاب‌ها متعلق به حضرت موسی است. (بستانی، پطرس بن پولس، دائره المعارف بستانی: ۲۶۴/۷) آنان این کتاب را نازل شده بر حضرت موسی می‌دانند. نام‌های متعددی برای این کتاب استفاده شده است. با توجه به ارزش و جایگاه این کتاب‌ها به کل کتاب مقدس یهودی نیز تورات گفته می‌شود.

مراد از تورات در اسفار کتاب مقدس، کتاب‌های پنج‌گانه حضرت موسی است. یهودیان، این کتاب‌ها را ناموس موسی نیز می‌نامند. آنان این کتاب را نازل شده در کوه سینا، بر حضرت موسی می‌دانند.

تورات به کل کتاب مقدس یهودیان نیز اطلاق می‌شود. این اسفار (جمع سفر به معنای نامه و کتاب بزرگ) عبارت‌اند از سفر پیدایش، خروج، لاویان و اعداد، تثنیه. برخی از مسیحیان از لفظ تورات برای بیان کل کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) استفاده نموده‌اند. (بستانی، دائره المعارف، ۲۶۴/۷)

قرآن کریم، متن وحی الهی است که از نظم و هماهنگی در کلمات، انسجام در آموزه‌ها، فصاحت و بلاغت والایی برخوردار است. این ویژگی‌ها، قرآن را از هرگونه تحریف و دستبرد بشری مصون نگه داشته است. همانطور که در قرآن آمده است: "إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ". (حجر: ۹) از این رو، آموزه‌های قرآن بدون هیچ تردیدی پذیرفته می‌شوند و حجیت آن ذاتی است. بنابراین، مسلمانان بر خطانپذیری قرآن اجماع دارند.

در مقابل، در نگارش تورات فعلی، انسان‌ها نقش داشته‌اند. در خصوص تورات کنونی اجماع بر خطانپذیری وجود ندارد بلکه پذیرش تورات مستند به تصویب مؤمنان است و

حجیتش را به کمک دلایل بیرونی به دست آورده (فورستل، الهام کتاب مقدس: ۳۸۱-۳۸۶) و الهام بودنش را مردم با گذشت زمان پذیرفته‌اند. (باغبانی آرانی، شناخت قرآن و عهدین: ۲۶-۲۷ و عمورسولی، با شعیب نبی: ۱۱)

شعیب

حضرت شعیب، یکی از پیامبران الهی است که نام او ۱۱ بار در قرآن ذکر شده و لقبش "خطیب الانبیا" است. (رضی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء سلف، ۲/۲۳۳) در کتب لغت آمده که شعیب، همان یثرون است و شعیب به معنای کسی است که راه درست را نشان می‌دهد؛ شعیب در لغت، مُصَغَّرُ شَعْبِ که مصدر و یا اسم است و کنایه از اصلاح و راهنمایی کردن است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن: ۱/۴۱۵)

حضرت شعیب از فرزندان نابت بن ابراهیم (مجلسی، بحار الانوار: ۱۲/۳۷۵) و محل دفن او بیت المقدس ذکر شده است؛ (خراسانی، منتخب التواریخ: ۴۶) نسبت آن حضرت، شعیب بن صیفون بن عنقاء بن ثابت بن مدین بن ابراهیم ذکر شده است. (طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده: ۱/۲۴۴) نام پدر وی، صیفون (همان) و نام مادر آن حضرت، میکاء است. (سپهر، ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر: ۱/۳۰۴) تاریخ تولد ایشان را ۳۶۱۶ سال بعد از هبوط حضرت آدم ذکر کرده‌اند. (همان) او ۲۴۲ سال زندگی کرده (مجلسی، حیاة القلوب: ۲۹۷؛ راوندی، قصص الانبیاء، ص ۱۴۶) و در بیت المقدس دفن شده است. (خراسانی، منتخب التواریخ: ۴۶) تعداد فرزندان او را ۷ دختر ذکر کرده‌اند. (عمادزاده، تاریخ انبیاء: ۲/۵۰۰)

رعویل

رعویل، کاهن یا امیر مدیان و پدر زن حضرت موسی است. نام اصلی او یثرون گفته شده و نام دوم او حویاب است. (مهران، دراسات تاریخیة من القرآن الکریم: ۲/۴۳۸) رعویل، به معنای این است که خدا او را رعایت می‌کند؛ به معنای صدیق الله یا صادق در عبادت نیز گفته شده است. (بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ۱/۲۶۸) رعویل، با نام یثرون از نسل حضرت ابراهیم و قطوره بوده؛ (مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس: ۹۴۴)

هفت دختر داشت که یکی از آنها، همسر حضرت موسی است. (خروج: ۱۸/۲)

یترون

یترون که احتمالاً نام دیگر رعوئیل و یا لقب او است، فرزند عیسو و نوه اسحاق است و مادرش بسمه نام دارد؛ بسمه، کنعانی و دختر اسماعیل است. او همچنین پسری به نام حویاب دارد. «و موسی به حویاب بن رعوئیل مدیانی که برادر زن موسی بود گفت: ...» (اعداد: ۲۹/۱۰) در عهد قدیم، یترون، کاهن مدیان و پدر زن موسی خوانده شده و موسی گله پدر زن خود، یترون، کاهن مدیانی را شبانی می‌کرد. (خروج: ۳/۱) حضرت موسی بعد از ازدواج با دختر یترون، برای او شبانی می‌کرد ... و به پیامبری رسید. (خروج: ۱۳/۱-۵). یترون، به معنای «فضل او»، کاهن یا امیر مدیان و پدر زن حضرت موسی است. (دهخدا، لغتنامه دهخدا: ذیل واژه یترون)

مدین

از قرآن در دو سوره اعراف و هود و ۱۱ باری که نام حضرت شعیب در قرآن ذکر شده است می‌فهمیم که آن حضرت به سوی مردم شهر مدین ارسال شده است. مدین، قبیله و شهری است که به نام مدین بن ابراهیم نامیده شده و حضرت شعیب در آنجا دعوت به توحید و اجرای عدالت می‌کرد؛ مدین در محاذات تبوک و بزرگتر از آن است. (حموی، معجم البلدان: ۷۷/۵) قوم مدین، اهالی شهر مدین و قوم ایکه، طائفه‌ای از قوم شعیب بودند که سرزمینشان، یک ناحیه از حوزه دعوت حضرت شعیب (ع) بوده است. (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۲/۲۷۳) جمعی از مفسران گفته‌اند که حضرت شعیب (ع) بر دو طایفه مبعوث شد؛ یک مرتبه بر اهل مدین مبعوث شد و ایشان به صدایی مهیب که موجب زلزله زمین گردید و بعد از آن بر اهل ایکه مبعوث گردید و آنها به ابر صاعقه‌بار سوختند. (طبرسی، مجمع البیان: ۴/۳۰۳؛ فخر رازی، تفسیر الکبیر: ۲۴/۵۲۹ و بغوی، تفسیر بغوی: ۳/۴۷۷)

اصحاب الایکه

قرآن مردم شهر مدین را که حضرت شعیب(ع) به سوی آنان فرستاده شد، اصحاب الایکه نامیده است (شعراء، ۱۷۶). سرزمین ایکه در مسیر مردم حجاز به شام بوده است و آن حضرت در قریه ای به نام ایکه در نزدیکی شهر مدین زندگی می کرد. ایکه محلی است که درختان درهم تنیده و پیچیده دارد و معادل واژه بیش در فرهنگ فارسی است (باغبانی آرانی، جواد، وحی و نبوت در قرآن و عهدین، ص ۴۱۴).

ویژگی ها و سرنوشت قوم حضرت شعیب (ع) در قرآن

قومی که حضرت شعیب به سوی آنان ارسال شده بود، از صفاتی برخوردار بوده است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. کم فروشی: یکی از مهم ترین ویژگی های منفی این قوم، کم فروشی و تقلب در معاملات بوده است. حضرت شعیب (ع) بارها آن ها را از این کار منع کرده و به رعایت انصاف و عدالت در معاملات دعوت می کند. این کار یکی از نشانه های فساد اقتصادی این قوم بوده است. این قوم مشرک نیز بوده است و بت هایی را پرستش می کردند. از صفات دیگر این قوم ایجاد ناامنی بوده به گونه ای که آنان در راه ها می نشستند و با ایجاد ناامنی، مردم را از ایمان آوردن به خدا باز می داشتند.

قوم شعیب به دلیل تکذیب آن پیامبر و ادامه گناهان، مورد عذاب الهی قرار گرفتند. در قرآن، نوع عذاب آن ها به صورت صاعقه (رعد و برق) و زلزله ذکر شده است. مشهور میان مفسران آن است که چون قوم آن حضرت تکذیب شعیب را به نهایت رساندند؛ حق تعالی بر ایشان گرمای شدیدی فرستاد که نفس های ایشان را گرفت و چون داخل خانه ها شدند؛ آن گرما در خانه های ایشان داخل شد و نه سایه فایده می بخشید و نه آب و از گرما بریان شدند. پس حق تعالی ابری بر ایشان فرستاد؛ پس همگی از شدت گرما به آن ابر پناه بردند و چون در زیر ابر جمع شدند، ابر بر ایشان آتش بارید و زمین در زیر ایشان بلزید تا ایشان سوختند و خاکستر شدند. (طبرسی، مجمع البیان: ۳۰۳/۴؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر: ۱۴۵/۶ و آلوسی، تفسیر روح المعانی: ۸۰۷/۵؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۶۱/۱۰)

تعالیم حضرت شعیب (ع)

داستان حضرت شعیب (ع) از جمله قصه‌هایی است که در قرآن و تورات یاد شده، اما تفاوت‌های زیادی میان این دو گزارش وجود دارد. این تفاوت‌ها در دو حوزه تعالیم و گستره دعوت و نیز سیره شخصی و اجتماعی ایشان قابل مقایسه و بررسی است. پس از ذکر اصطلاحات و تبیین آنها، در این بخش، با تکیه بر آیات قرآن کریم، به تحلیل تفصیلی مضامین تعلیمی و گستره دعوت حضرت شعیب (ع) می‌پردازیم. هدف، استخراج نظام‌مند مؤلفه‌های اصلی دعوت نبوی ایشان، تبیین ابعاد مختلف آن و بررسی گستره شمول این دعوت، با توجه به اصول جهان‌شمولی رسالت انبیاء و ویژگی‌های جوامع مخاطب است. دعوت حضرت شعیب (ع)، همچون دیگر انبیای الهی، مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول و تعالیم الهی است که هدف غایی آن، هدایت جامعه بشری به سوی سعادت و کمال است. این تعالیم را می‌توان در سه حوزه کلی اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی، دسته‌بندی نمود:

تعالیم اعتقادی

۱. توحید

توحید، به مثابه بنیادین‌ترین اصل در نظام اعتقادی، در دعوت همه انبیاء از جمله حضرت شعیب (ع) یاد شده است. توحید، نه تنها یک اصل اعتقادی محض، بلکه مبنایی برای شکل‌گیری نظام اخلاقی و اجتماعی عادلانه است. بر این اساس، در پرتو توحید است که مفاهیمی چون عدالت، امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و خیرخواهی در جامعه نهادینه می‌شوند و روابط انسانی از قوام و استحکام برخوردار می‌گردند.

در این زمینه، قرآن، نام پیامبر سرزمین مدین و ایکه را حضرت شعیب (ع) معرفی نموده که آنها را به پرستش خدا توصیه می‌فرمود. آیات قرآن، صراحتاً بر دعوت ایشان به پرستش خدای یگانه و نفی هرگونه شرک و بت‌پرستی دلالت دارند.

خداوند در آیه ۸۵ سوره اعراف می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵) «و به سوی مدین، برادرشان شعیب (ع) را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! خدا را پرستید

که جز او معبودی ندارید، دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است، بنابراین حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است فساد نکنید، این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.»

همچنین در آیه ۸۴ سوره هود بیان شده است: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا الْهَيْوَاتِ الْمَكِينَةَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» (هود: ۸۴) «و به سوی مدین برادرشان شعیب (ع) را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! الله را پرستش کنید که جز او معبود دیگری برای شما نیست و پیمان‌ه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید) من خیر خواه شما هستم و من از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم!»

۲. تقوای الهی

در قرآن دعوت به تقوای الهی نیز در زمره تعالیم حضرت شعیب (ع) برای قومش بیان شده است. تقوا، به معنای ترس آگاهانه از خداوند متعال و التزام عملی به فرامین الهی، از دیگر تعالیم اساسی حضرت شعیب (ع) است. تقوا، به عنوان یک سازوکار خودکنترلی درونی، نقش بسزایی در پیشگیری از انحرافات اخلاقی و رفتارهای نابهنجار اجتماعی ایفا می‌کند و زمینه‌ساز تعالی روحی و معنوی انسان می‌گردد. با توجه به رفتار اجتماعی و اقتصادی قوم شعیب (ع) که در آن کم‌فروشی، تقلب و استثمار رواج داشت، دعوت به تقوا به معنای رعایت حقوق دیگران، پرهیز از تعدی و تجاوز و التزام به انصاف و عدالت در روابط اقتصادی و اجتماعی بوده است.

خداوند در آیات ۱۷۶ و ۱۷۷ از سوره شعراء می‌فرماید: «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء: ۱۷۶ و ۱۷۷) «اصحاب ایکه (شهری نزدیک مدین) رسولان (خدا) را تکذیب کردند * هنگامی که شعیب (ع) به آنها گفت، آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟»

لزوم شکر نعمت و تذکر نسبت به عواقب کفران

یادآوری نعمت‌های الهی و پرهیز از کفران، از دیگر مضامین برجسته در دعوت حضرت شعیب (ع) است. شکر نعمت، افزون بر قدردانی زبانی، مستلزم بهره‌گیری صحیح و مسئولانه از نعمت‌های الهی در جهت خیر و صلاح جامعه است. در مقابل، کفران نعمت، نه تنها موجب سلب برکت و زوال نعمت‌ها می‌شود، بلکه عذاب الهی را نیز در پی دارد. تذکر حضرت شعیب (ع) به قوم خود در مورد عواقب کفران نعمت، هشدار می‌دهد که به همه جوامع بشری که از انحراف از مسیر حق و عدل و رویگردانی از ارزش‌های الهی، پرهیز نمایند.

خداوند از حضرت شعیب (ع) در دعوت خود، برای هدایت قومش، در آیه ۸۴ سوره هود نقل می‌کند که حضرت شعیب گفت: «وَالِیَ مَدَیْنٍ اٰخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَیْرُهُ وَلَا تَتَّقُوا الْمَکِیَالَ وَالْمِیْرَانَ اِنِّیْ اَرَاكُمْ بِخَیْرٍ وَاِنِّیْ اَخَافُ عَلَیْكُمْ عَذَابَ یَوْمٍ مُّحِیْطٍ» (هود: ۸۴) «ای قوم من! ... من هم اکنون شما را در نعمت می‌بینم، ولی از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناک هستم.» حضرت شعیب (ع)، برای بیرون آمدن قومش از خواب غفلت، دلسوزی می‌کرد و به آنان هشدار می‌داد و امتها و اقوام گذشته را به آنان یادآوری می‌کرد که شاید بیدار و هوشیار گردند.

همچنین در آیه ۸۹ سوره هود آمده است: «وَاِذَا قَوْمٌ لَا یَجْرِمَنَّکُمْ شِقَاقِیْ اَنْ یُّصِیْبَکُمْ مِثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُّوْطٍ مِنْکُمْ بَیْعِدٍ» (هود: ۸۹) «ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به جایی نرساند، که [عذابی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما هم برسد، و قوم لوط از شما [چه از جهت زمان و چه از جهت مکان] چندان دور نیست.»

در آیه ۱۷۶ سوره شعراء آمده است: «کَذَّبَ اَصْحَابُ الْاٰیٰتِ الْکٰثِرَةِ الْمُرْسَلِیْنَ» (شعراء: ۱۷۶) «مردم آیکه پیامبران را تکذیب کردند»

و در آیه ۱۸۸ و ۱۸۹ سوره شعراء آمده است: «قَالَ رَبِّیْ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ * فَکَذَّبُوْهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ یَوْمِ الظُّلَّةِ اِنَّهٗ كَانَ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیْمٍ» (شعراء: ۱۸۸ و ۱۸۹) «[شعیب] گفت: پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید، داناتر است * پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب

روز سبب [یعنی روزی که ابری تیره و صاعقه‌ها سایه می‌اندازد] آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود.»

تعالیم اجتماعی

حضرت شعیب (ع) بر اصلاح امور اجتماعی تأکید داشت. این امر، نشان‌دهنده توجه ایشان به تمام ابعاد زندگی انسان و تلاش برای ایجاد یک جامعه سالم و متعادل است. اصلاح امور فردی، مستلزم تهذیب نفس، تقویت فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل است. اصلاح امور اجتماعی نیز، مستلزم ایجاد نظام‌های عادلانه، مبارزه با فساد و تلاش برای رفع نیازهای جامعه است. هدف حضرت شعیب (ع) از تأکید بر اصلاح امور فردی و اجتماعی، به ویژه امور اقتصادی، جلوگیری از اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم در جامعه بود.

۱. صبر در برابر مشکلات

حضرت شعیب (ع) مؤمنان را به صبر و استقامت در برابر مشکلات و چالش‌ها ترغیب می‌نمود. صبر، به عنوان یک فضیلت اخلاقی و عامل تاب‌آوری در برابر سختی‌ها، به انسان کمک می‌کند تا در مواجهه با مصائب و ناملازمات، تعادل روانی خود را حفظ نموده و از مسیر حق منحرف نشود. در جامعه‌ای که فساد اقتصادی و اجتماعی ریشه دوانده است، صبر و استقامت در راه اصلاح و مبارزه با فساد، از جمله ضروری‌ترین صفات برای مؤمنان است.

حضرت شعیب (ع) به مؤمنان و کسانی که به او ایمان آورده بودند، توصیه کرد که در برابر مشکلات صبر کنند و این توصیه، برای تمام مخوقات در همه ازمه‌ها، جاری و ساری است؛ خداوند، کلام حضرت شعیب (ع) را در آیه ۸۷ سوره اعراف، اینگونه بیان می‌دارد: «وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُزِيلَتْ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (اعراف: ۸۷) «و اگر گروهی از شما به آیینی که من به آن فرستاده شده‌ام، ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند؛ پس [شما مؤمنان] شکیبایی ورزید تا خدا میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است.»

در آیه ۱۵ سوره شوری، آمده است: «فَلِدَلِكْ فَادْعُ وَاشْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری: ۱۵) «پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آوردم، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و شماست؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می کند، و بازگشت [همه] به سوی اوست.»

همچنین در آیه ۲۵ سوره اعراف، آمده است: «قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ» (اعراف: ۲۵) «پروردگار فرمود: در آن زندگی می کنید، و در آن می میرید، و از آن بیرون می آید.»

۲. ایجاد وحدت در جامعه و جلوگیری از کشمکش و جدال

حضرت شعیب (ع) قوم خود را از تفرقه و اختلاف برحذر می داشت و آنان را به وحدت و همدلی دعوت می کرد. قرآن کریم، تفرقه و اختلاف را از عوامل ضعف و سستی جامعه می داند و مؤمنان را به حفظ وحدت و پرهیز از نزاع و درگیری توصیه می کند. ایجاد وحدت در جامعه، مستلزم احترام به دیدگاه‌های مختلف، پرهیز از تعصب و تنگ‌نظری و تلاش برای یافتن نقاط مشترک و زمینه‌های همکاری است.

قوم حضرت شعیب (ع) سعی در ایجاد تفرقه انداختن در جامعه و پراکنده نمودن اطراف آن حضرت داشتند؛ خداوند قول قوم حضرت شعیب (ع) را در آیه ۸۸ سوره اعراف پس از ناامن کردن جامعه و نصیحت حضرت شعیب (ع)، اینگونه حکایت کرده است: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَوْمِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ» (اعراف: ۸۸) «اشراف و سران قومش که [از پذیرفتن حق] تکبر ورزیدند، گفتند: ای شعیب! مسلماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنیم یا اینکه بی چون و چرا به آیین ما بازگردید. گفت: آیا هر چند که نفرت و کراهت [از آن آیین] داشته باشیم؟!»

یکی از عواملی که در جامعه سبب می‌شود که امنیت جامعه را از بین ببرد، چند دستگی است؛ به عبارتی تنازع و اختلاف بین مردم و احیاناً بین سردمداران آن جامعه است که خداوند در آیه ۸۶ سوره اعراف درباره عمل قوم شعیب (ع) و نصیحت آنان بیان داشته است: «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكْتَرْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۸۶) «و بر سر هر راهی منشینید که کسانی را که به خدا ایمان آورده‌اند [به مصادره اموال، شکنجه و باج خواهی] بترسانید، و از راه خدا بازدارید، و بخواهید آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهید؛ و به یاد آورید زمانی که جمعیت اندکی بودید، ولی [پروردگارتان] شما را فرونی داد، و با تأمل بنگرید که سرانجام مفسدین و تبهاران چگونه بود؟»

حضرت شعیب (ع) کافران و قوم خویش را به یکپارچگی دعوت و ازهم پارگی برحذر داشته و می‌فرمود که از درگیری داخلی پرهیز کنید و سبب بروز آشوب و اغتشاش در جامعه نشوید و آسایش و آرامش و امنیت خویش را به خطر نیندازید و صبر را سرلوحه خویش قرار دهید. خداوند از کلام حضرت شعیب در سوره اعراف آورده است: «وَأَلِيَّ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَكُنُوا لِلنَّاسِ آبَاءًا غَيْرًا مُغْتَابًا وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵) «و به سوی مردم مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که شما را جز او معبودی نیست، یقیناً برهانی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد، پس پیمان‌ها را تمام و ترازو را کامل بدهید، و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهید، و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، این [امور] برای شما بهتر است، اگر مؤمنید.»

تعالیم اقتصادی

۱. عدالت اقتصادی

آیات متعددی در قرآن کریم، بر لزوم رعایت عدل و انصاف در معاملات تأکید دارند. برپایی عدل و قسط، مستلزم ایجاد نظام اقتصادی و اجتماعی عادلانه‌ای است که در آن، حقوق همه افراد جامعه، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، مورد حمایت قرار گیرد و از هرگونه

تبعیض و نابرابری جلوگیری شود.

سامان دادن به وضعیت اقتصادی و قراردادن معیاری برای ایجاد عدالت اقتصادی بین مردم و برطرف کردن مفاسد اقتصادی، یکی از کارها و سفارشات حضرت شعیب (ع) بود. آن حضرت جهت اجرای عدالت، پیمانانه و ترازو را برای سالم‌سازی اقتصاد و اجرای عدالت اجتماعی و اعطای حقوق اجتماعی و مبارزه با استثمار و غارت اموال مردم و تأکید بر مال حلال پیشنهاد می‌کند. (فیض کاشانی، تفسیر الصافی: ۲۲۰/۲)

۲. پرهیز از کم‌فروشی

قوم هر کدام از انبیای الهی، به فساد خاصی شهرت می‌یافتند؛ برای مثال قوم حضرت لوط، به فساد اخلاقی و ... قوم حضرت شعیب، علاوه بر شرک و بت پرستی، به فساد اقتصادی مبتلا بودند؛ آنان با آنکه از نظر قدرت مالی، بسیار نیرومند بودند، به فساد کم‌فروشی در پیمانانه و ندادن حق مردم، عادت داشتند. مبارزه با کم‌فروشی، احتکار، رباخواری و سایر مظاهر فساد اقتصادی، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های حضرت شعیب (ع) بود.

خداوند در آیه ۸۵ سوره اعراف می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵) «و به سوی مدین، برادرشان شعیب (ع) را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که جز او معبودی ندارید، دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است، بنابراین حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید و در روی زمین بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است فساد نکنید، این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.»

همچنین در آیه ۸۴ سوره هود بیان شده است: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُضُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» (هود: ۸۴) «و به سوی مدین برادرشان شعیب (ع) را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! الله را پرستش کنید که جز او معبود دیگری برای شما نیست و پیمانانه و

وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید) من خیر خواه شما هستم و من از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم!

حضرت شعیب (ع) از بین همه صفات زشت آنان، پس از دعوت به یکتاپرستی و رهایی از شرک، آن‌ها را از کم‌فروشی باز می‌دارد. حضرت شعیب (ع)، شیوه‌های مختلفی را برای هدایت بشر در پیش داشت که یکی از شیوه‌های برتر او، برای اقتصاد سالم و یکپارچگی در امور زندگی، مبارزه با اقتصاد ناسالم و انحرافات قوم خود بود؛ لذا او را اسوه جهادگران اقتصادی در مقابل کم‌فروشی می‌توان نامید؛ تعداد اندکی از قوم آن حضرت به نصایحش گوش فرا دادند و اکثریت مردم، از اوامر این پیامبر الهی سرباز زدند.

۳. قناعت به سود کم

راضی شدن به سود کم، به معنای اکتفا کردن به قدر حاجت و ضرورت و توصیه به اینکه بیش از هر چیز، به خداوند متعال متکی باشید و به آنچه در اختیار دارید، خشنود و سازگار باشید و با عزت نفس و آبرومندی به سر برید و چشم‌داشتی به دیگران نداشته و از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوهگین و حسرت‌زده نباشید.

مخاطب آیه ۸۶ سوره هود، قوم شعیب است و در آن، منظور از بقیه‌الله، سود و سرمایه حلال و پاداش الهی است، که برای آنان مایه خیر و سعادت می‌گردد. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (هود: ۸۶) «آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می‌گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم.»

شعیب (رعوئیل، یثرون) در تورات

به گفته یکی از فقرات عهد عتیق نام پدر زن حضرت موسی (ع) کسی به نام رعوئیل است. این در حالی است که بنابر فرهنگ اسلام نام پدر زن آن حضرت کسی جز شعیب (ع) نیست. عهد عتیق از دو نفر به نام رعوئیل که مربوط به دو مقطع تاریخی قوم یهودند سخن گفته است.

یکی از آن دو مربوط به زمان بعد از یکی از فرزندان حضرت اسحاق به نام عیسو است.

عیسو همزاد یعقوب است که از رفقه همسر حضرت اسحاق به دنیا آمد. در تورات آمده است: «و پدر شما ابراهیم را از آن طرف نهر گرفته در تمامی زمین کنعان گردانیدم و ذریت او را زیاد کردم و اسحاق را به او دادم. و یعقوب و عیسو را به اسحاق دادم...»^۱ از تورات برمی آید که گویا خداوند از عیسو رضایت نداشته است اما از یعقوب برادرش راضی بوده است: «یَهُوَه می گوید که شما را دوست داشته‌ام. اما شما می‌گویید: چگونه ما را دوست داشته‌ای؟ آیا عیسو برادر یعقوب نبود؟ و یَهُوَه می‌گوید که یعقوب را دوست داشتم. و از عیسو نفرت نمودم و کوههای او را ویران و میراث وی را نصیب شغالهای بیابان گردانیدم.»^۲

عهد جدید نیز از این سخن گفته است که خداوند از یعقوب رضایت داشته و نسبت به عیسو دشمنی: «چنانکه مکتوب است: یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن.»^۳ این کتاب عیسو را زانی و بی مبالات می داند و دلیل آن را هم داستان فروش نخست زادگی خود معرفی می کند: «مبادا شخصی زانی یا بی مبالات پیدا شود مانند عیسو که برای طعامی نخستزادگی خود را بفروخت.»^۴ داستان فروش نخست زادگی در تورات به صورت مفصل آمده است.^۵

یکی از نوادگان عیسو رعوثیل نام دارد. در تورات آمده است یکی از زنان عیسو کسی به نام بسمه بود که برای عیسو فرزندی به نام رعوثیل به دنیا آورد. نام پدر همسر حضرت موسی (ع) نیز رعوثیل نام دارد که او کسی غیر از رعوثیلی است که داستانش را بیان کردیم.^۶

در یک مقطع از تاریخ در زمان زندگی حضرت موسی (ع) که مربوط به حدود چهارده

۱. یوشع ۲۴: ۳-۴.

۲. ملاکی ۱: ۲-۳.

۳. رساله به رومیان ۹: ۱۳.

۴. رساله به عبرانیان ۱۲: ۱۶.

۵. پیدایش ۲۵: ۱۹-۳۴.

۶. پیدایش ۳۶: ۱-۲۱.

قرن قبل از میلاد مسیح است فرد دیگری نیز به رعوئیل زندگی می‌کرد. وی کسی بود که حضرت موسی(ع) در مدین به خانه او رفت و دامادی وی را پذیرفت.^۱

در عهد عتیق نام یترون هم برای اسم مکان آمده است هم برای اسم شخص. در این کتاب منطقه ای به نام یترون وجود داشته است که در یکی از نبردهای داوود نبی مطرح شده است. در زمانی که جنگ بین خاندان طالوت و خاندان داوود ادامه داشت، شخصی به نام ابنیر خاندان طالوت را تقویت می‌کرد. به گفته این کتاب در یک شب ابنیر و افرادش از رود اردن عبور کردند و آنان تمام صبح روز بعد نیز در راه بودند تا سرانجام به محنایم رسیدند. قبل از این که به محنایم برسند از منطقه ای به نام یترون گذشته بودند: «و ابنیر و کسانش تمامی آن شب را از راه عربّه رفته از اُردُن عبور کردند و از تمامی یترون گذشته به محنایم رسیدند.»^۲

عهد عتیق نام یک شخص یعنی پدر زن حضرت موسی(ع) را نیز یترون می‌نامد. باب دوم سفر خروج تورات پدر زن حضرت موسی(ع) را رعوئیل می‌نامد.^۳ اما در باب سوم همین کتاب ناگهان نام پدر زن حضرت موسی(ع) تغییر می‌یابد. در این کتاب آمده است که روزی هنگامی که موسی(ع) مشغول چرانیدن گله پدر زن خود یترون کاهن مدیان بود، گله را به آن سوی بیابان به طرف کوه حوریب معروف به کوه خدا راند. ناگهان فرشته خداوند چون شعله آتش از میان بوته ای بر او ظاهر شد. موسی(ع) دید که بوته شعله ور است ولی نمی‌سوزد با خود گفت عجیب است چرا بوته نمی‌سوزد پس نزدیک شد تا علت آن را بفهمد که ماجراهای دیگر مثل انتخاب به نبوت او اتفاق می‌افتد.^۴

کتاب مقدس ترجمه دکتر رابرت بروس نام پدر زن حضرت موسی(ع) در باب دوم سفر خروج را رعوئیل و همین کتاب نام وی را در باب سوم یترون می‌نامد. اما ترجمه تفسیری کتاب مقدس که از سوی انجمن بین المللی کتاب مقدس در سال ۱۹۹۵ میلادی

۱. خروج ۲: ۱۱-۲۲.

۲. دوم سموئیل ۲: ۲۹.

۳. خروج ۲: ۱۸.

۴. خروج ۳: ۱-۴.

انتشار یافته است بدون هیچ توضیحی نام هر دو نفر در دو باب را یثرون نامیده است. با توجه به داستان ازدواج حضرت موسی (ع) با یکی از دختران کاهن مدیان هیچ توجیهی برای این تغییر نام متصور نیست. توجیهاتی مانند اینکه شاید در مدیان دو نفر به نام‌های متعدد رعوثیل و یثرون وجود داشته‌اند که حضرت موسی (ع) هم دختر هر دو را به ازدواج خود درآورده است. گفتار تورات به گونه‌ای است که آن حضرت بیش از یک بار در مدین ازدواج نکرده است. نام همسر آن حضرت هم به یک نام ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

خلقت انسان در این عالم، به هدف رسیدن به کمال و هدایت او به این سمت و سو بوده است. این ارشاد و هدایت، با توجه به دلایل عقلی، توسط انبیاء و رسولان الهی انجام می‌گیرد. لذا شناخت انبیاء و زندگی ایشان و فراگیری دستورات آنها، از مهمترین موضوعات می‌باشد. در این راستا، قرآن کریم به عنوان متن وحیانی و همچنین تورات و انجیل (به عنوان کتبی با ادعای تقدس)، نقش مهمی در دفاع از ساحت انبیای الهی و تبیین زوایای گوناگون نبوت ایفا می‌کنند.

تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که قرآن کریم در تبیین زندگانی، ویژگی‌ها، اهداف و جزئیات دعوت انبیای الهی، بر اصول اساسی توحید و انسان‌سازی تأکید دارد. در مقابل، تورات با تمرکز کمتر بر این جنبه‌های اساسی، رویکرد متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند. مطالعه موردی داستان حضرت شعیب (ع) در قرآن و تورات (با نام‌های یثرون و رعوثیل) گویای این تفاوت است. تورات، در پرداختن به این شخصیت برجسته، به ذکر مباحث مختصر و فاقد کارایی می‌پردازد و از تبیین موضوعات کلیدی نظیر محتوای دعوت، فسادهای قوم و واکنش آنها در برابر پیام الهی غفلت می‌ورزد.

با توجه به اصول توحیدی یهودیت، انتظار می‌رود که تورات به تفصیل به مبارزه حضرت شعیب (ع) با مظاهر شرک پردازد، اما در عمل، این کتاب به جنبه‌های کم‌اهمیت زندگی ایشان پرداخته و از بازگویی دوران درخشان فعالیت‌های تبلیغی و اصلاحی ایشان چشم‌پوشی می‌کند. مقایسه داستان حضرت شعیب (ع) در قرآن کریم و تورات، به وضوح نشان‌دهنده غنای محتوایی قرآن و ضعف مشهود تورات در ارائه تصویری جامع و مؤثر از این پیامبر الهی است. این یافته‌ها بر اهمیت قرآن کریم به عنوان یک منبع معتبر و جامع در شناخت و تبیین تاریخ و رسالت انبیای الهی تأکید می‌کند و ضرورت بازنگری در رویکرد متون دیگر به این موضوع را یادآور می‌شود.

با مقایسه داستان حضرت شعیب در قرآن و رعوثیل و یثرون در تورات استفاده می‌شود شباهت‌هایی بین این دو داستان در دو متن وجود دارد، اما داستان حضرت شعیب (ع) با خصوصیات بیشتری و بیان شاخص‌تری در قرآن بیان گردیده است؛ ثانیاً در قرآن کریم این داستان برای قصه‌گویی و صرفاً شرح مآقع نبوده، بلکه در لابلای داستان حضرت شعیب (ع) به اهداف تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و دینی پرداخته شده است.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. کتاب مقدس عهد عتیق و جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام بگن هندی مرین، (۱۳۸۲) انتشارات اساطیر چاپ دوم.
۲. کتاب مقدس، ترجمه دکتر بروس، (۱۹۸۶) انتشارات ایلام.
۳. کتاب مقدس، (۱۹۹۵) ترجمه تفسیری.
۴. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی بصری، (۱۴۱۹ق) تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول.
۵. آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله حسینی، (۱۴۱۵ق) تفسیر روح المعانی، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول.
۶. باغبانی آرنانی، جواد، (۱۴۰۰) شناخت قرآن و عهدین، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۷. باغبانی آرنانی، جواد، (۱۴۰۰) وحی و نبوت در قرآن و عهدین، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۸. بستانی، پطرس بن پولس، (بی تا) دایرة المعارف، ناشر: دارالمعرفة، بیروت.
۹. بغوی، أبو محمد حسین بن مسعود بن محمد بن فراء، (۱۴۲۰ق) معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر بغوی)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۰. بلاغی، عبدالحجه، (۱۳۸۶) حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ناشر: حکمت (چاپخانه) - ایران - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۶ قمری.
۱۱. جمعی از نویسندگان، آشنایی با قرآن، (۱۳۸۲) انتشارات امیر کبیر.
۱۲. حموی، یاقوت بن عبد الله (م ۶۲۶) (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، دار صادر، بیروت، چاپ دوم.
۱۳. خراسانی، محمد هاشم، (۱۳۸۸) منتخب التواریخ، اسلامیة، تهران، چاپ هفتم.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغتنامه دهخدا، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

دوم، ۱۳۷۷.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالقلم، بیروت، چاپ اول.

۱۶. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، (بی تا) قصص الانبياء، مجمع البحوث الاسلامیه، بی نا.

۱۷. رضی، عبدالحسین، قصص قرآن یا تاریخ انبیا سلف، بی نا.

۱۸. سپهر، محمد تقی، (۱۳۸۰) ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر، اساطیر، تهران، چاپ اول.

۱۹. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۹۷) کتاب مقدس، نشر کتاب طه.

۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۲۱. موسوی، محمد باقر، (۱۳۷۸) ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.

۲۲. طبرسی، امین الإسلام أبوعلی فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق) مجمع البیان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول.

۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۳) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران، چاپ ششم.

۲۴. عمادزاده، حسین، (۱۳۸۸) تاریخ انبیا، اسلام، تهران، چاپ پنجم.

۲۵. عمورسولی، علی محمد، (۱۴۰۳) با شعیب نبی، اثر قلم با همکاری انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول.

۲۶. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر بن حسن بن حسین تیمی رازی، (۱۴۲۰ق) مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۲۷. فورستل، جی تی، (۱۹۶۷م) الهام کتاب مقدس، در دایره المعارف جدید کاتولیک، دانشگاه کاتولیک آمریکا.

۲۸. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق) دتفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، مکتبه الصدر تهران.

۲۹. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، (۱۴۱۵ق) التصوير الفنی فی القرآن، انتشارات دار الشروق.

۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار، بیروت، چاپ: دوم.

۳۱. _____، (۱۳۸۴) حیاة القلوب، سرور، قم، چاپ ششم.

۳۲. مستر هاکس، جیمز، (۱۳۴۹) قاموس کتاب مقدس، طهوری، تهران، چاپ دوم.

۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۷) سیمای پیامبر اعظم در آینه نهج البلاغه، مؤسسه امام خمینی، قم، چاپ اول.

۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم، (۱۳۶۷) دایرة المعارف اسلامی، بی نا، چاپ: اول.

مهران، محمد بیومی، (۱۴۰۸ق) دراسات تاریخیة من القرآن الکریم، ناشر: دار النهضة العربیة، بیروت - لبنان.